

:

« () »

()

اصل (۸۵) قانون اساسی اعطای اجازه تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت با ترتیب مقرر در انتهای اصل مزبور (به شرط مغایر نبودن با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی به تشخیص شورای نگهبان و عدم مخالفت با قوانین و مقررات عمومی کشور به تشخیص رئیس مجلس شورای اسلامی)، مجاز دانسته است. مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۲۲ قانون «تعیین مرجع تصویب و یا اصلاح و تغییر اساسنامه شرکت‌ها» را تصویب کرد که به موجب آن، تصویب یا انجام هرگونه تغییر و اصلاح در اساسنامه مؤسسات و شرکت‌های تابعه وزارتخانه که طبق مجوزهای قانونی ایجاد شده یا می‌شوند، بنا به پیشنهاد وزارتخانه ذی‌ربط و تأیید سازمان امور اداری و استخدامی (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) بر عهده هیأت وزیران گذاشته است (که این قانون در اجرا مشکلات زیادی به بار آورده و عملاً در موارد اندکی اجرا می‌شد).

در برنامه سوم توسعه با علم به قانون مذکور و محدودیت‌های آن، با هدف ساماندهی شرکت‌های دولتی در قالب شرکت‌های مادر تخصصی و تنظیم اساسنامه جدید با اختیارات و وظایف جدید برای آن‌ها، در ماده (۴) قانون شرکت‌های مادر تخصصی (که قرار بود زیر نظر وزارتخانه ذی‌ربط اداره شوند)، با رعایت مقررات و قوانین مربوط به دولت داده شد.

۴. در ماده (۶) قانون نیز تصریح شده است که «در کلیه مواردی که به موجب قوانین، اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی که شمول قانون به آن‌ها مستلزم ذکر نام است و همچنین نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی به دولت داده شده است، با پیشنهاد دستگاه ذی‌ربط و تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) با هیأت وزیران است».

سؤال مطروحه در لایحه این است که آیا ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اختیاری متفاوت نسبت به ماده (۶) آن قانون، در خصوص اصلاح و تصویب اساسنامه‌های شرکت‌های دولتی به دولت داده است یا خیر؟ و به این ترتیب آیا حکم ماده (۴) در خصوص شرکت‌هایی که قبلاً اساسنامه آن‌ها به تصویب مجلس رسیده است نیز جاری است یا خیر؟

محل مناقشه آنجاست که عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوط» مصرح در ماده (۴) در عمل باعث شده که دیوان عدالت اداری اساسنامه برخی شرکت‌ها از جمله «سازمان حسابرسی کشور» و «سازمان اموال تملیکی» را به علت مغایرت با قوانین و مقررات، لغو کرده است. آن هم به این اعتبار که اساسنامه هر دو شرکت مزبور مصوب مجلس شورای اسلامی بوده و هر دو در

ارکان خود واجد «شورای نظارت» (به دلیل حساسیت وظایف آنها) بوده‌اند که در اساسنامه‌های تنظیمی در راستای ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه، حذف شده است.
در پاسخ به این استفساریه دو روش تفسیر می‌توان پیش گرفت:

براین اساس ملاحظه می‌شود که ماده (۴) با هدفی خاص به دولت اجازه حک و اصلاح اساسنامه شرکت‌های دولتی و تشکیلات آنها را به نحو اطلاق - البته با «رعایت مقررات و قوانین مربوط» - داده است. بنابراین و با ملحوظ داشتن اطلاق ماده مذکور، حکم آن قابل تسری به تمامی انواع شرکت‌های دولتی (اعم از آن‌که اساسنامه آنها به تصویب هیأت دولت یا قوه مقننه رسیده باشد) است.

این همه در حالی است که ماده (۶) قانون (که به طور عام به دولت اجازه اصلاح و تغییر اساسنامه شرکت‌های دولتی و دیگر بخش‌های عمومی داده) صرفاً بر شرکت‌هایی که اساسنامه آنها به تصویب هیأت وزیران رسیده قابل اعمال است. وجود این محدودیت در ماده (۶) نشان می‌دهد که قانونگذار به مسأله تفکیک بین اساسنامه‌های مصوب خود و آن‌هایی که دولت تصویب کرده واقف بوده و عدم اشاره به آن در ماده (۴) از روی سهو نیست. به علاوه اگر ماده (۴) اختیار بیشتری را نسبت به ماده (۶) به دولت نداده باشد. آوردن دو ماده جداگانه با مفهومی واحد، بیهوده و لغو است. حال آن‌که قانونگذار بنا بر اصل عمل لغو انجام نمی‌دهد.

با چنین تفسیری می‌توان نتیجه گرفت که تجویز ماده (۴) وسیع‌تر از ماده (۶) بوده و حسب مورد می‌تواند حتی شامل اساسنامه‌هایی شود که قوه مقننه آنها را تصویب کرده است. از عبارت کلی «با رعایت مقررات و قوانین مربوط» که در ماده (۴) آمده است هم نمی‌توان حصر و محدودیتی در این خصوص استنباط کرد.

لذا در پاسخ به استفساریه باید گفت: » ()

«تأثیر این پاسخ آن است که اساسنامه برخی شرکت‌های بزرگ دولتی می‌تواند در چارچوب ماده (۴) رأساً به وسیله دولت تصویب یا اصلاح شود.»

()

()

()

() براساس این تحلیل باید در پاسخ به استفساریه اعلام نمود که »

() «